

گفت‌وگوی «جوان» با علیرضا برازش، پژوهشگر حوزه حدیث و مشاور فیلمنامه‌های ماورایی سیما

سریال‌های ماورایی را می‌توان از بزرخ هم فراتر برد

گفت‌وگو
جواد محرمی
 نام علیرضا برازش به طور عموم سریال‌های ماورایی سیما در دهه ۸۰ در کسوت مشاوره مذهبی

را به ذهن متبادر می‌کنند؛ اما او سابقه‌ای طولانی در پژوهش حدیث و روایات اهل بیت (ع) دارد. کتاب «المعجم المقهرس للافاظ الاصول من الکافی» از وی برگزیده هفتمین دوره کتاب سال ایران شده است. برازش از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ و مجدداً از ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ مدیریت شبکه یک سیما را بر عهده داشت و مدت کوتاهی نیز مدیر شبکه دو بود. به تازگی تازه‌ترین اثر وی درباره قرآن کریم که ترجمه‌ای از کلام خداوند است، رونمایی شد. به همین بهانه با وی گفت‌وگو کردیم و البته سخن ما به سریال‌های ماورایی سیمایی نیز کشید.

فکر می‌کنید و چه تمایز این ترجمه‌ای که از قرآن کریم نوشتید و اخیراً رونمایی شد با ترجمه‌های دیگری که از قرآن کریم انجام شده چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

من در دهه پیش از احادیث و روایات ائمه اطهار (ع) یک تفسیری را گردآوری کردم و حدود ۱۰۰ هزار روایت را دیدم و حدود ۲۵ هزار روایت را انتخاب کردم و باقی را که تقریباً تکراری بود کنار گذاشتم و به عنوان تفسیر اهل بیت (ع) از قرآن کریم در قالب ۱۸ جلد ارائه دادم. چون حجیم است و قیمت آن با قیمت کاغذ امروز زیاد می‌شود و در خانه هم جاگیری می‌شود، یک سایتی را تأسیس کردم به نام الوحی دات کام و در اختیار عموم مردم قرار دادم. من خودم را مترجم نمی‌دانم و معتقدم اهل بیت مفسران اصلی قرآن هستند و خداوند به اینها اجازه داده تا قرآن را تفسیر کنند. در دعای ۴۲ صحیفه سجاده به آمده که خدا قرآن را موحس و خلاصه فرستاده و اهل بیت را مفسر آن قرار داده است. تفسیر یعنی رونمایی کردن و چیزی که ابهام دارد را روشن کردن. دقیقاً در احادیث وجود دارد که اجازه این کار را خداوند متعال به ائمه معصومین داده است و عنوان کرده که من به عده‌ای اجازه داده‌ام که این کتاب را برای مردم توضیح بدهند. می‌توانم بگویم که ترجمه من عصاره آن تفسیر است. ما یک گروه داشتیم ولی همه احادیث را خودم دیدم و خودم برای چپش، دسته‌بندی و انتخاب کردم. ۳۵ ترجمه دیگر را هم نگاه کردم و برای این ماجرا توجه کردم کدام یک از این مفسران لفظی را به کار بردند که به برداشت اهل بیت نزدیک است. یک جاهایی از قرآن اگر همین طور ترجمه تحت‌اللفظی شده باشد، برای خواننده نسل جوان می‌تواند ابهام‌آمیز باشد. برای مثال «الر حمن» و «الر حیم» که دو از ماده رحمت است. یکی ریشه دارد بر مبنای فعلی و یکی بر ریشه فعلان، وقتی به فارسی برمی‌گردد باید یک تفاوتی داشته باشد. اکثر مترجمین ترجمه کرده‌اند به نام خداوند بخشنده مهربان. یکی را برداشت در ماده بخشش و یکی را بر ماده مهر؛ در صورتی که هر دو اینها از ماده رحمت هستند. چطور یکی از بخشش سر در آورد و یکی از مهر؛ بخشش در عربی می‌شود عفو. خدا بخشنده هم است، اما کلمه رحمان گویای بخشندگی نیست. من فکر کردم این دو لغت باید معنی متفاوتی داشته باشند و از یک ماده هم باید باشند. در فارسی ماده مهر را اگر در مقابل رحمت عربی بگذاریم درست است. برای فارسی زبان اگر بنویسیم مهربان یا مهرگستر، مخاطب ممکن است بگوید این دو چه تفاوتی با هم دارند؟ در احادیث ما عنوان شده که «رحمان» رحمت عام است و گسترده‌ای آن همه خلایق را دربرمی‌گیرد، اما صرفاً در محدوده زمانی دنیا و رحمت دوم یعنی «رحیم» رحمت خاص است و به کسانی تعلق می‌گیرد که خود را در دایره اطاعت خدا قرار دادند. یعنی هم در دنیا و هم در آخرت و اینچنین باید لغتی استفاده کنیم که مقداری بتواند این معنا را باز کرده و تمایز آن را از هم نشان بدهد. لغتی پیدا نکردم در فارسی که به تنهایی این معنی را برساند؛ پس نوشتم: به نام خدایی که با همه مهربان است و مهربان تر است با مؤمنان. یعنی مؤمن بودن انسان را واجد بهره‌گیری از صفت رحمت بودن خدا می‌کند. یا برای مثال این «ب» که اول بسم‌الله آمده، ب کمک و استعانت است. این ب معنی دارد و متناظر به هدفی که آن کار را برای آن آغاز کردیم به کار می‌رود. پس این باید معنا شود و کار مفسر است که از کنار این به راحتی عبور نکند. باز تأکید می‌کنم این را من نمی‌گویم و این تفسیر از احادیث اهل بیت معصومین (ع) آمده است. من سعی کردم تفسیر ائمه را عصاره‌گیری کنم. خودم را نه مفسر می‌دانم و نه مترجم و



Close ups
نمای نزدیک
 یکی از مهم‌ترین اهدافی که برای شیطان در مقابل انسان اهمیت دارد این است که القا کند وجود ندارد. یکی از مدیرانی که از این سریال‌ها استقبال می‌کرد، آقای میرباقری بود که معاون وقت سیما بود. او جایی با من شوخی می‌کرد و می‌گفت مراقب باش تو دست شیطان را رو کردی و شیطان را بر دی در صداوسیما و به میلیون‌ها نفر نشان دادی. ممکن است به سراغ تو هم بیاید و باور کنی که آمد و با من گلاویز هم شد. شیطان را باید شناخت، در چه دشمنی‌اش را باید فهمید

صرفاً از روایات استفاده کرده‌ام. به نظر می‌رسد درباره قرآن و احادیث همواره و همیشه جا برای کار پژوهشی در ابعاد مختلف وجود دارد و این حیطه در یابی است که انتها ندارد. از تجربه‌های دیگران در این زمینه بگوئید.

من سال ۷۳ توانستم به لطف خدا برای بحار الانوار یک به اصطلاح ایندکس و راهنمایی به عنوان کتاب حدیثی تهیه کنم و کار محققین و دانشجویان و دانش‌پژوهان را بسیار آسان تر کنم. حضرت امام شهید و قائد از دست رفته‌مان در سوم مهر ماه سال یک یادداشتی دادند و از کارهای قبلی و به خصوص این کتاب تقدیر کردند که به لحاظ حجم هم بسیار کتاب حجیمی است. ۳۰ جلد رحلی، سه‌ستونی و حروف شش است که اگر کلمه‌شماری کنیم با ۱۰۰ هزار کلمه کتاب رفقی معمولی برابری می‌کند و ۹ میلیون عدد در آن به کار رفته است. بحار الانوار در واقع ۴ میلیون کلمه حدیثی دارد و من فقط آنچه از زبان معصوم در این کتاب آمده آورده‌ام و به حواشی آن نیز داختم. دانه به دانه لغات را آدرس بر مبنای ریشه کلمات داده‌ام تا یک نفر بتواند در عرض چند ثانیه درباره آنچه قصد دارد تحقیق کند، در دریای عظیم کتاب که خودش ۱۱۰ جلد است دسترسی پیدا کند. آن زمان هنوز رایانه در ایران به این شکل گسترش نداشت و این کار را ما دستی انجام دادیم. در دهه ۶۰ سیستما هم هنوز ام‌اس داس بودند و ویندوز نیامده بود.

شما زمانی و در دهه ۸۰ مدتی در صداوسیما به عنوان مشاور سریال‌هایی با موضوعات ماورایی با متافیزیکی همکاری داشتید و به احتمال زیاد نام شما بیشتر در همین ارتباط در اذهان عموم نقش بسته است. آیا در چند سال اخیر هم در این ارتباط مشغولیتی داشتید؟
 آخرین کار سریال احضار بود. در قالب سریال‌های ماورایی ما وارد دو حیطه شدیم. یکی حیطه بزرخ که مابین دنیا و آخرت است. پیش از آنکه حضرت اسرافیل در صور بدمد و اعلام قیامت کند، همه ما پس از مرگ به برزخ می‌رویم. ما از سریال کمکم کن به کارگردانی قاسم جعفری آغاز کردیم و به آقای سیروس مقدم به عنوان کارگردان و نویسنده و علیرضا افخمی به عنوان تهیه‌کننده



66

الان یک سریالی به نام «سفر به میانه سر» که اسم یک روستایی است در شمال و اشاره‌ای هم به لحاظ معنا به میانه دنیا و آخرت دارد را قرار است به لطف خدا کار کنیم. سیروس مقدم به عنوان کارگردان به همراه علیرضا افخمی به عنوان نویسنده و سید مجید میرمیران در جایگاه مشاور فیلمنامه این را ارائه کرده‌اند. از من هم دعوت شده با وجود بیماری مشاوره مذهبی این کار را بپذیرم. در حد و وسع مطالعه کردم و نظرات خود را داده‌ام و به اطلاع رئیس سازمان هم رسانده‌ام که گروه ما این است

66

با شیطان فقط باید مبارزه کنید. چون هدف او فریب دادن شماست و به این هدف پایبند است و قسم خورده است. او به همه انسان‌ها طمع دارد تا همراه کند و زیر ولایت خود درآورد. اگر ۹۹ درصد ایمان کسی را بگیرد، به دنبال آن یک درصد می‌رود و کارش را تمام شده نمی‌داند؛ یعنی ول کن معامله نیست و به همه ایمان آدم‌ها طمع دارد. تا انسان‌ها را کافر محض نکند راضی نمی‌شود

66

ترجمه من عصاره تفسیری است که سال‌ها پیش از دل احادیث اهل بیت (ع) منتشر کردم. ما یک گروه داشتیم؛ ولی همه احادیث را خودم دیدم و خودم برای چپش، دسته‌بندی و انتخاب کردم. ۳۵ ترجمه دیگر را هم نگاه کردم و برای این ماجرا توجه کردم کدام یک از این مفسران لفظی را به کار بردند که به برداشت اهل بیت نزدیک تر است. یک جاهایی از قرآن اگر همین طور ترجمه تحت‌اللفظی شده باشد، برای خواننده نسل جوان می‌تواند ابهام‌آمیز باشد

یک کتاب ۲هزار صفحه‌ای است با فهرست ۲۰۰ صفحه‌ای. در واقع اهل بیت آنها را شناسایی کرده‌اند و من فقط دسته‌بندی کرده‌ام. این را یک جور که در ظرفیت رسانه است باید منتقل کرد که مردم استفاده کنند.

جالب است که این سریال‌ها خیلی هم پربیننده بودند و مردم استقبال می‌کردند. فکر می‌کنید چرا با وجودی که جواب هم داده بود، در رسانه ملی تولید آنها ادامه پیدا نکرد و از جایی متوقف شد. اصلاً یک ژانر جذاب است و شباهت زیادی به فیلم‌های هالیوودی دارد و به ژانری که آنها از آن به عنوان تخیلی یاد می‌کنند تنه می‌زند؛ هر چند از نگاه ما اینها تخیلی نیست و حقیقت دارد.

من چند سال است، دچار بیماری شدم. الان یک سریالی به نام «سفر به میانه سر» که اسم یک روستایی است در شمال و اشاره‌ای هم به لحاظ معنا به میانه دنیا و آخرت دارد را قرار است به لطف خدا کار کنیم. از سوی سیروس مقدم به عنوان کارگردان به همراه علیرضا افخمی به عنوان نویسنده و سید مجید میرمیران در جایگاه مشاور فیلمنامه این را ارائه کرده‌اند. از من هم دعوت شده با وجود بیماری مشاوره مذهبی این کار را بپذیرم. در حد و وسع مطالعه کردم و نظرات خود را داده‌ام و به اطلاع رئیس سازمان هم رسانده‌ام که گروه ما این است. امیدواریم که به ماه رمضان برسند ان‌شاءالله. اینکه چرا این ژانر در سریال‌سازی ادامه پیدا نکرد، متقدم باید دوستان دیگری به کار گرفته می‌شدند و ادامه پیدا می‌کرد. این ژانر جذاب است و مردم دوست دارند و مباحث قرآنی در آن مطرح می‌شود و نباید تولید این آثار به فرد خاصی منحصر باشد. متقدم به لحاظ کارگردانی هم نباید اتکا به یک یا چند کارگردان داشته باشند و باید به سراغ کارگردان‌های دیگری بروند و دایره نویسندگی در این ژانر را توسعه بدهند. متقدم با را فراتر از بزرخ هم می‌توان گذاشت. حتی می‌شود صحنه قیامت و مراحل قیامت را شبیه‌سازی کرد و نشان داد.

امریکایی‌ها ساختند و چرا ما نسازیم. اتفاقاً برای ما که تکیه به احادیث اهل بیت (ع) داریم، خیلی راحت‌تر و البته واجب‌تر است. حدیث کسار می‌توان ساخت و خیلی می‌تواند جذاب باشد. بلکه من معتقدم هر چقدر که سریال‌سازی ما به این وادی نزدیک‌تر شود، بیشتر می‌تواند مباحث عمیق دینی را به مردم عرضه کند. برخی منتقدین این ژانر را مسخره می‌کنند و عده‌ای می‌ترسند به این سمت پایبند و من چون نتیجه آبرویی داشتیم در دست گرفتیم و وارد شده و خود ائمه کمک کردند و چند سریال ساخته شد.

البته به این هم باید توجه کرد که این ژانر مخالفان جدی هم دارد. افرادی که با ماوراءالطبیعه در اصل مشکل دارند، لزوماً ممکن است علنی هم وارد نشوند و به نوعی مقابل افرادی که قصد تولید این آثار را دارند دست‌اندازد درست کنند. چون مخاطب وقتی با این آثار روبه‌رو شود، به متافیزیکی اعتقاد پیدا می‌کند که امری دینی است.

بله؛ یکی از مهم‌ترین اهدافی که برای شیطان در مقابل انسان اهمیت دارد این است که القا کند وجود ندارد. یکی از مدیرانی که از این سریال‌ها استقبال می‌کرد، آقای میرباقری بود که معاون وقت سیما بود. او جایی با من شوخی می‌کرد و می‌گفت مراقب باش تو دست شیطان را رو کردی و شیطان را بر دی در صداوسیما و به میلیون‌ها نفر نشان دادی. ممکن است به سراغ تو هم بیاید و باور کنی که آمد و با من گلاویز هم شد. شیطان را باید شناخت، در چه دشمنی‌اش را باید فهمید. شیطان بعضی وقت‌ها در رحمت وارد می‌شود و اینگونه انسان را گول می‌زند. برای مثال می‌گوید درست است که این کار حرام است؛ اما خدا رحیم‌الرحمن است. این را من در کتاب چهل حدیث حضرت امام (ره) دیدم.

همان اسلام رحمانی که کلمه حقی است و برخی از آن مراد باطل می‌کنند. بلکه اگر اخلاص وجود نداشته باشد، همین می‌شود ریشه خیلی از افعال که انسان توجیه می‌کند و پیش می‌رود. می‌گوید تو را که دیگر خدا می‌بخشد. البته کار خیر کردی. نماز خواندی، روزه گرفتی، تو نزد خدا جایگاه داری؛ به قول معروف کسی هستی برای خودت و نزد خدا و همین طور پیش می‌رود و اگر انسان در این مواقع به خدا پناه نبرد، گرفتار می‌شود و این عبور از صراط مستقیم تدریجی است. ابتدا زاویه کم است و به مرور فاصله زیاد می‌شود. باید بدانیم اگر اعوذ بالله گفتیم و یاد خدا کردیم، شیطان گم می‌شود. یعنی واقعا اگر در پناه خدا و حصار خدا قرار بگیریم، او ما را از شر وسوسه این موجود نجات می‌دهد. باید حواسمان باشد ما اگر با شیطان مبارزه کنیم قطعاً بازنده‌ایم؛ چون او از ما قوی‌تر است به این معنا که تجربه بیشتری دارد؛ اما اگر ما به خدا پناه ببریم و خود را در حصار او قرار دهیم، حتماً برنده‌ایم؛ چون هیچ نیرویی برتر از خدا وجود ندارد. در آیه ۲۰۳ سوره مبارکه اعراف می‌خوانیم که «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ إِذًا شَتَّىٰ مُطَافٍ مِّنَ السَّيْطَانِ تَذَكَّرًا فَإِذَا هُم مُّنْصَرُونَ». یعنی شیطان تا گروه متقیان را طمع دارد و سراغ آنها می‌رود. یکی و دوتا هم نیستند. طواف می‌کنند دور کعبه دل اهل تقوا. مس می‌کنند. یعنی یک جاهایی پیدا می‌کند نوک هم می‌تواند بزند. اما اگر کسی به درجه تقوا رسیده باشد چه می‌کند؟ «تَذَكَّرًا» یاد خدا می‌افتد. متذکر که شد «فَإِذَا هُم مُّنْصَرُونَ» چشم حقیقت‌بین او باز می‌شود و می‌رود در سایه حصن و حصار خدا و شیطان گم می‌شود. در این آیه قفسنگ آمده که اگر به درجه تقوا هم برسید، شیطان دست از سرتان بر نمی‌دارد. دور دلت گشت می‌زند تا راهی پیدا کند و وارد شود. مدام دنبال راه می‌گردد، مدام در می‌زند و خسته هم نمی‌شود. آنقدر در می‌زند تا برایش راه باز کند؛ ولی اگر متقی باشی، نمی‌تواند لانه بچند. چون اگر به درجه تقوا رسیده باشی، مدام یاد خدا می‌کنی و در می‌بندی.